

به نام خدا

آزمون درس: روش پژوهش و ارائه  
نام و نام خانوادگی دانشجو: زینب جلیوند  
شماره دانشجویی: 935121562  
رشته و مقطع تحصیلی: مهندسی نرم افزار

زمان آزمون: 48 ساعت  
استاد درس: جناب آقای استاد سید علی رضوی ابراهیمی  
تاریخ: 1400/03/20



دانشگاه پیام نور

## پروژه میان ترم: پژوهش در روش کیفی: پژوهش در روش تاریخی

### چکیده

تمام دانشهای موجود در دنیای بشری یک بعد تاریخی دارد و پژوهش تاریخی نیز یکی از شیوههای دانشاندوزی محسوب میشوند. دانستههای ما از گذشتهها به سایر علوم که به دنبال شناخت ماهیت پدیدهها هستند، کمک شایانی میکند. تاریخشناس با تبیین تاریخی از مرزهای تاریخنگاری فراتر میرود و وقایع را تابع عواملی گوناگونی میداند. با این دیدگاه تاریخ نیز بهعنوان دانشی در خانواده دانشهای انسانی تجلی میکند که میتواند گفت نزدیکترین دانش به جامعهشناسی، علم تاریخ است. چون تاریخ بهنوعی آزمایشگاه پدیدههای اجتماعی است. دانش تاریخ موردی یا منفرد است و در اصطلاح به آن غیر تعمیمی یا تفریدی اطلاق میشود. معنای آن، این است که محقق تاریخ دورانی را در نظر میگیرد، حوادث آن را بهعنوان معلول مطرح میسازد و سپس در همان دوران عوامل را بازمییابد... هدف از مقاله موجود مطالعه ارتباط بین علوم اجتماعی و تحقیقات تاریخی است. تشابهها و تفاوتهای این دو موضوع بهعنوان دو علم از شاخه علوم انسانی بیان خواهد شد و چگونگی بررسی اصالت اسناد مورداستفاده در پژوهش تاریخی و همچنین فرآیند انجام تحقیق تاریخی در علوم اجتماعی موردبررسی قرار میگیرد.

واژه‌های کلیدی: روش تحقیق، روش تحقیق تاریخی، جمع‌آوری اطلاعات، علوم اجتماعی.

## مقدمه:

واژه **Research** در لغت بته معنی پژوهش، تحقیق، تتبع، جست‌وجو، جست‌وجو، تجسس، کاود، پژوهیدن و پژوهش کردن و **Historic** به معنای تاریخی، مشترور، معروف و مبنی بر تاریخ است. تحقیق تاریخی، از آن دست تحقیقاتی است که بر موضوعی معین که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده، صورت می‌گیرد. از آنجاکه در فاصله دو زمان مشخص در گذشته، رویدادهایی به وقوع پیوسته و ابزاری تکمیل گشته است، بنابراین تلاد محقق درود تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزش‌تیبایی و بررسی صحت‌توسستم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیت هوتحلیل آنها، به صحت‌تورتی منظم و عینی ارائه کند و نتایج پژوهشتتی قابل دفاع را در ارتباط با فرا یا فراهای ویژه تحقیق نتیجه بگیرد برای مثال بررسی روزنامه‌های سیاسی دوران پرلوی.

امروزه مطالعه تاریخی در بستیری از گستره ها منزلت و رواج یافته است. نزاع های اواخر سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم، فروکاسته و فواید و ضرورت رهیافت تاریخی در پژوهشها، خود را نشان داده است. محققان به رخنه‌ها و معایب آن نیز بصیرت یافته‌اند. همچنین پندار رویارویی و ستیز واهی میان مطالعه تاریخی با ستایر روی آوردها، مانند رهیافت تحلیلی، روانشناختی، جامعه‌شناختی و فلسفی نیز از میان رخت بر بسته است. اکنون در بستیری از گستره ها، رهیافت تاریخی در کنار و بلکه در ارتباط وثیق با ستایر روی آوردها مورد توجه قرار می‌گیرد. فیلسف وفان که دورترین موضع را نسبت به نگرده تاریخی داشته اند، رود معلم اول، ارسطو را در متافیزیک آکنده از مطالعه تاریخی یافته‌اند

## اهمیت آشنایی با تغییرات اجتماعی

از گذشته های دور، دانشمندان ی بستیار، همچون هراکلیت بر این اندیشه این بود که درزمینه امور و پدیده‌های اجتماعی آنچه اصالت دارد ایستاشناسی نیست بلکه پویا شناسی است، زیرا حرکت در بطن همه پدیده‌هاست و هر آن هر پدیده اجتماعی با آن روبروستت؛ بنابراین، یکی از مرمترین فواید شتتناخت تاریخی و پدیده‌های تاریخی ستتنجش و اندازگیری دگرگونیها، مسیروآهنگ آنها است

پرستش‌هایی که در بحث از تغییرات اجتماعی مطرح می‌شوند نیز درزمره عمیقترین و استاس یتترین پرسشهایی است که دردانش انستان طرح شدنی است. سخن از پیدایی جامعه، مسیرونحوه تطور آن و درنرایت آیندهای است که در برابر انسان قرار دارد. از همین روست که تمامی دانشمندان از افلاطون تا هگل؛ از جمله ستن ستمون، بوسوئه، ماکیاول، ویکو، هردر، اگوست کنت، دورکیم وپردون مسئله تغییر اجتماعی را آنچنان مطرح نظر قرار داده‌اند که بهزعم دورکیم طرح مسئله تغییر درجامعه و مسیر حرکت جوامع از جامعه‌شناسی نیز قدیمتر است

هدف تحقیق تاریخی، به کار بردن داده‌های مربوط به واقعیتهای مرتبط با رویدادهای گذشته و تفسیر آنها است. از این طریق میتوان به عوامل مؤثر در بروز وقایعی که در گذشته رخ داده، پی برد و رویدادهای زمان حال را برتر شتتناخت. تحقیق تاریخی کمک میکند تا با تحلیل داده‌های مربوط به عادات، رستوم، ستتنها و چگونگی انجام اموری که به نحوی در گذشته بوده‌اند، درک بیشتری به دست آوریم

پرسشهایی چند با این مبحث مطرح میشوند که اهم آنان چنین‌اند

1. آیا انستان اندیشمند را توان آن هست که به دگرگونی جامعه اندیشه کند و راهی نو یابد و یا دست کم در سترنوشت خویش مؤثر افتد؟

2. سخن دوم در باب معنای تغییرات اجتماعی است. درحالیکه به نظر گینسرگ دگرگونی اجتماعی، صرفاً به دگرگونیهای سختی جوامعته اطلاق میشود؛ یعنی تغییر در ترکیب، توازن اجزای جامعه یا نوع سنتتازمان و همچنین دگرگونیهای هنری پدید آمده در زبانتان. از دیدگاه رز باید دگرگونیهای اجتماعی را گوناگونیهای پدید آمده در ارزشها و معانی موجود در جامعه یا گروههای فرعی مردم در جامعه دانست. در برابر این اندیشهها که در جستجوی شناخت بنیادین عوامل دگرگونی در جامعهاند، شتاهد دیدگاههایی، همچون رادیکالیسم؛ یعنی اندیشه آنان که عقاید افراطی در باب تغییر دارند و درصدد تحقق ریشه‌ایترین دگرگونیها هستند و معتدلان نیز هستیم.

3. موضوع استاسی دیگر سنجش انواع تغییرات اجتماعی که در شناخت هر نوع، ابزاری خاص به کار میآید. انواع بسیاری در تغییرات اجتماعی میتوان یافت3

بهطورمعمول سخن از تغییرات دوری، خزنده، درونزاد، خطی، ارتجاعی و... به میان میآید و هریک درخور اعتنا و توجری خاص است و امروزه بر این انواع معمول، گونهای دیگر افزوده شده است؛ نظیر دگرگونیهای تکوینی که بیشتر توسط انسانشناسان مطرح شده است و با آن، شناخت ریشههای اولیه نرادها و سازمانها مطرح نظر قرار میگیرد و هدف شناسایی، مسیر حرکت و بهطورکلی تاریخ تکاملی انسان است.

4. سنتخن چرام در مورد مرمترین و عمیقترین ابعاد در مبحث تغییرات اجتماعی استت و آن شتتاخت عوامل و عناصتر تغییرات اجتماعی است.

#### دیدگاههای مادی:

شتامل تمامی مکاتبی استت که عامل استاسی تغییرات اجتماعی را دگرگونی عناصتر مادی آن میدانند که شامل مکاتبی، همچون ابزارگرایی، مادهگرایی، اقتصادگرایی و حتی جغرافیا گرایی است

#### دیدگاههای غیرمادی:

بعضی دیگر تغییرات اجتماعی را ناشی از دگرگونی در اندیشه انستانها میدانند. اعتقاددارند زمانی که طرز تفکر انستان دگرگون گردید، رنتگ و معنای جران نیز در برابر جلوهای دیگر خواهد یافت و بهتبع آن جرانی دیگر تبلور مییابد. مکاتبی همچون روحگرایی، ایده آلیسم از این زمرهاند؛ در این حوزه اندیشه، سنجش و اندازگیری ابعاد ذهنی تغییر حائز اهمیت است.

تغییرات اجتماعی هرگز یک عامل ندارد. بلکه همواره شتتتکهای از عوامل موجبات دگرگونی اجتماعی را فراهم میستتتازد. شناخت تغییرات اجتماعی در جران درحالتوسعه هرروز اهمیت بیشتری مییابد

#### شناخت و پیشبینی آینده:

شتتتتتاخت و پیشبینی آینده برای هر فرد و هر جامعه ضتتتتوری استتتت و درراه تحقق این مردم، شتتتتتاخت تاریخی گامی اجتنابناپذیر استت، زیرا برای پیشبینی حرکت پدیدهها باید به عقب بازگشت و گذشته آنان را شتتتاخت. در اصطلاح بدان فرافکنی روند اطلاق میشود

بنتابراین میتوانیم اینگونه بگوییم کته گتتتتتتهها در درون گروههای جامعه قرارداداند، همانگونه که وایت هد بهعنوان دانشمند علم منطق میگوید که هر حادثهای که پیش میآید، در خود گذشتهای و جوانهای از آینده دارد.

#### پیوست واقعیت و امتداد تاریخی:

کارل پوپر در اثر (فقر تاریخی گری)، مبحثی را تحت عنوان نو یا نو بودن واقعیات فیزیکی مطرح کرده است. او را عقیده بر این استتت که واقعیات غیراجتماعی به همان نشتتتت که از غیر آلی آغاز میشتتتوند و ستتتس به آلی و بعدازآن به فوق آلی میرستند، به همان نشتتت نیز خاصیتت نو بودن خود را از دست میدهند؛ یعنی در جریان یک پیوستار قرار میگیرند و بدون دستتازی به گذشته آنها، امکانم شناخت و تحلیل نیست

## ماهیت پدیده‌های تاریخی

- الف- حوادث تاریخی زنده نیستند، بلکه مربوط به گذشته دور یا نزدیکاند.
- ب- گذشته تاریخی هرگز عیناً تکرار شدنی نیست، از اینجاست که مورخ خواهناخواه با معیارهای جامعه زمان خود با گذشته مواجه میشود، پس باید ضریب انحراف خاصی را در ارزیابی خود بپذیرد.
- ج- حوادث تاریخی هرگز تماماً در استناد و مدارک جای نمیگیرد و مورخ ناچار است از روده‌های استنتاجی جرت تکمیل خلاء استفاده کند که طبیعتاً عنصری تازه بر واقعیت تاریخی میافزاید.
- د- «هیچ واقعه تاریخی به‌طور مجزا و در تجرید ندارد و این قاعده کلی پدیده‌های اجتماعی در همه زمانها است.»
- در پایان باید گفت که پدیده‌های تاریخی به گذشته تعلق دارند حیات مجدد نمی یابند گرد روزگار یافته‌اند و در ابرام جای دارند.

ویلرم دیلتای در ارتباط بین شناخت تاریخی و شناخت نفسانی گفته است<sup>3</sup>

«دنیای تاریخ برخلاف دنیای طبیعت خامود و بی‌زبان نیست. با ما حرف میزند و به ما جواب میدهد.»

## نقش جامعه‌شناسی در معرفی پدیده‌های تاریخی

باید دید جامعه‌شناس ها در دنیای تاریخ در جستجوی چیست؟ اگر آنها بخواهد همانند مورخ عمل کند کار درستی انجام نداده‌اند. جامعه‌شناس باید راهی نو در پیشگیرد. از روزهای نو به پدیده‌های بنگرد و درنهایت دستاوردهای تازه‌ای ارائه دهد.

جامعه‌شناس باید راهی جدا از مورخین در پیش گیرد. راه درست به نظر اینان فلسفه تاریخ است باید دید فلسفه تاریخ چیست؟ خطوط اصلی و ویژگیهای آن کدام است؟ بانیان آنچه کستانی هستند؟ فلسفه تاریخ یعنی پرسشی که نویسنده در باب حرکت تاریخ و مستیر آن برای خود مطرح می‌سازد و با اشکالی خاص قرن‌ها جامعه‌شناسی را به خود مشغول داشته است. از بین پایه‌گذاران جامعه‌شناسی کمتر کسی است که نامش با فلسفه تاریخ نیامیزد و در اهمیت آن همین بس که از افلاطون تا هگل، ویکو، هر در، بوستوئه، همگی بدان پیوسته‌اند. آگوست کنت<sup>3</sup> «جامعه انسانی از مرحله ربانی به فلسفی و سپس به‌سوی اثباتی پیش می‌رود.» کنت، مارکس، پرودن، سن سیمون و حتی دورکیم نویسنده قواعد رود جامعه‌شناسی و پایه‌گذار به حق این علم، همگی به بند فلسفه تاریخ مبتلا گشتند. تعابیر خاص فلسفه تاریخ، همچون حرکات مارپیچی، دوری، موجی، خطی، همگی بردوام و استتمرار آن افزودند. گاهی مبنای بیولوژیک می‌پذیرفت (استپنسنت ر)، گاهی صفتورتهای فرهنگی و اجتماعی مییافت (ستوروکین، کنت)، گاهی نیز در تعابیر ستیاسی محط غوطه می‌خورد (پرودن-ستن سیمون). فلسفه تاریخ را باید میراث دورانی خاص از مراحل رشد تفکر اجتماعی دانست. دورانی که بعد از رنسانس در برابر انستانها گشوده شتد. چنین دورانی را کلاسیسیسم جامعه‌شناسی میخوانند. کلاسیسیسم در روانشناسی با انتزاع انسان و تعمیم روابطی که بین انگیزه و واکنش او پدید میآمد همراه بود. فرانستتیس بیکننیز معتقد استتت ، جرت ایجاد تغییر مطلوب در واقعیت، نباید در پی تحمیل افکار خیالی بر آن برآمد، بلکه باید به اطاعت از آن پرداخت و رموز آن را گردآورد. فلسفه تاریخ با آنچه گفته شد با تاریخ زدگی یا تاریخی گری قرابت بستیار مییابد. خاستگاه اصلی تاریخ زدگی را در آلمان قرن نوزدهم میتوان دید. در آلمان قرن نوزدهم اندیشته هگل بر پایه دیالکتیک شتتکل گرفت . او منطق دیالکتیک را به‌عنوان ابزاری به کاربرد که تا با آن مقصتتود و هدفی در تتاریخ بیابد و حوادث تاریخی را پراکنده و بیمعنا تلقی نکند، بلکه هدفدار و معنادار تلقی کند او هدف غایی خود را چنین بیان داشت. منظور ایمان به این نکته است<sup>3</sup>

«تاریخ حاصل عقل سرمدی است و این عقل انقلابهای عظیمی را موجب شده است.»

هگل در ستراستر تاریخ معقولیتی خدشتنهاپذیر را جستجو میکرد. او معقولیت تاریخ را به معنای ترقی جویی میدانست. ماتریالیستم دیالکتیک مارکس نیز به ماده‌گرایی تاریخی میاندیشت ید. در سراسر تاریخ نشان از جنگ ستمگران

و ستم دیدگان میجستت. به نظرد تنرا علمی علم بود که دیالکتیک و تاریخی باشند. به نظرد علومی همچون حقوق، ستیاستت، دین و...  
حیات مستقلی نداشتند

### همبستگی عضوی

با افزایش میراث فرهنگی بستر، هر انسان در زمینه‌های خاص تخصص یافت. احراز تخصص و به دنبال آن پیدایی تقسیمکار، موجبات تجلی نوعی خاص از همبستگی را فراهم کرد که باید به نظر دورکیم همبستگی عضتوی خوانده شود.

### دانش تاریخ و تطور در اصول آن

در آغاز تاریخ به معنای روایت زندگی و جنگهای سلاطین بود. نه از نیروی عظیم ملّات در آن خبری بود، نه از جستجو در باب علت حوادث. این مرحله را باید تاریخنگاری خواند. از قرن هجدهم به بعد، توجه بدان رو به کاهش نراد و تاریخ را شناخت کلیّات و مجموعهها دانستند. بنا بر گفته ابن خلدون تاریخ همانا مجموعه دگرگونیهای اجتماعی است و عوامل عینی و ذهنی تاریخ چنان به یکدیگر پیوستهاند که میتوان آنرا را وجود دوگانه امری یگانه شمرد. به نظر او شناخت تاریخی مستلزم آن است که محقق علت‌های اجتماعی را دنبال کند

### تبیین تاریخی:

تاریخشناس با تبیین تاریخی از مرزهای تاریخنگاری فراتر میرود و وقایع را تابع عواملی چند میداند و تاریخ را صرفاًفا شرح زتندگی چند امیر نمپندارد. با این حرکت تاریخ نیز بهعنوان دانشتتی در خانواده دانشهای انستتانی تجلی میکند و برخی همچون ژرژ گورویج را عقیده بر این استتت که نزدیکترین دانش به جامعهشتتناستی همانا تاریخ استتت. چون تاریخ بهنوعی آزمایشتنگاه پدیدههای اجتماعی استتت؛ اما تاریخ و جامعهشتتناستی پدیدهها را از دو دیدگاه متمایز مطرح میکنند. دانش تاریخ موردی یا منفرد است و در اصطلاح به آن غیر تعمیمی یا تفریدی اطلاق میشود. معنای ان است که محقق تاریخ دورانی را در نظر میگرد، حوادث آن را بهعنوان معلول مطرح میسازد و سپس در همان دوران عوامل را بازمیابد

### اصول اساسی تبیین تاریخی:

- الف-تاریخ زندگینامه امیران نیست.
- ب-پدیده تاریخی منحصریهفرد و تکرارناپذیر است.
- ب-باید در شناخت علی پدیده تاریخی، بازسازی گذشته موردتوجه قرار گیرد.
- ت- تبیین پدیده تاریخی باید با قرار دادن آن درزمینه یا بستر کل واقعیت صورت پذیرد؛ یعنی بهجای آنکه تاریخ زندگی امیران باشد، زندگی امیران باید جزئی از حیات اجتماعی بهحساب آید

### روابط تاریخ و جامعه شناسی

### روشنسازی بعد یا ساحت تکوینی پدیدههای اجتماعی:

فقط با شناخت تاریخی استت که میتوان به این ضتلع اجتنابناپذیر دستیافت. همانطور که گفتیم پدیدههای اجتماعی پیوسته به گذشته اند و گذشته، جزئی از شناخت تام بهحساب میآید. بست یاری از مستائل واقعیت امروزین از گذشته تأثیر برگرفتهاند؛ یعنی گذشته در حال موجود استت. دورکیم، آلن بیروستت، باتومور، منوچر محستنی، جمشید مرتضوی در مورد رابطه تاریخ و جامعهشناسی بحث کردهاند (ساروخانی، 66:33131).  
رابطه تاریخ و جامعهشناسی ازنظر باتومور:



(ج) در تاربخگرایی رویتدادهتا در چارچوب زمان و مکان معنا مییابند. هر رویداد با توجه به ویژگیهای تکوینی و تاریخی آن هویتی خاص، ممتاز و منحصریبهفرد دارد.

(د) در تاریخگرایی واقعیات جران منفصلتل از گذشته نیست. بلکه امتداد تاریخی پدیدهها پذیرفتنی است و شناخت آن لازمه شناخت تام هر واقعیت است.

(ه) تاریخ گرایان، گذشته را در بطن واقعیت کنونی میبینند و بدون آن هر راه بریود را مسدود مییابند.

(و) برعکس تاریخ زدگانی همچون هگل که تاریخ بشر را سیر فعالیت روح میدانستند، ویلرلم دیلتای هیچ دورهای را برتر از دوران دیگری نمیداند.

(ح) تاریخ گرایان در پذیرد نسبتیت و هویت خاص هر واقعیت برای فراوان به روانشناسی میدهند. آنان را عقیده بر این است که محقق باید بتواند خود را چنان در حیات و اندیشه کارگزار) فردی که عمل او موردبررسی است) غرق سازد که بهنوعی ذوب افقها دست یابد؛ یعنی دقیقاً خود را بهجای او نرد؛ با او هیجان یابد و دنیا را همانند او ببیند.

**نظریات پیرامون علمی بودن تحقیق تاریخی** درباره علمی یا غیرعلمی بودن رود

تحقیق تاریخی، نظرات مختلفی ارائهشده است3

**نظرات مخالف؛**

1. با توجه به اینکه یکی از ویژگیهای علم، قابلیت پیشبینی آن است، محققان تاریخی اغلب نمیتوانند، بر اساس وقایع گذشته، تعمیمها یا پیش بینی هایی را برای آینده نتیجه بگیرند؛ زیرا وقایع و حوادث گذشته، اغلب بدون برنامه حاصلشدهاند یا آنچنانکه در برنامه بوده، صورت نیافتها.

3. محققان تاریخی در بیشتر موارد بر گزاردها و مشاهدات کسانی متکی هستند که میتوان در صلاحیت آن افراد و یا به حقیقت گزارد آنان شک کرد.

:. محقق تاریخی اغلب در تشخیص حقایق دچار ابرام است و درست مثل فردی عمل میکند که میخواهد قسمتهای مختلف ماکتی را که تکههایی از آن گمشده است سر هم کند، لذا بهناچار درصد پر کردن جای خالی این واقعیتهای از طریق استنتاجها و استنباطهای ذهنی از حوادث گذشته برمیآید.

3. حوادث تاریخی در محیطی بسته مانند آزمایشگاه صورت نمیگیرد؛ بنابراین، محقق تاریخی قادر نیست، شرایط مشاهدهشده را کنترل کند؛ یا متغیرهای عامل حادثه را دستکاری نماید.

**نظرات موافق؛**

1. محقق تاریخی، محدودیت های موضوع مورد مطالعه و تحقیق را تعیین و شناسایی میکند، فراها یا سؤالی را مطرح مینماید که باید برای آنها پاسخی مناسب فراهم کند. اطلاعات لازم را جمعآوری و تجزیهوتحلیل میکند و به آزمودن فراهای خود میپردازد و از آنها نتایجی به دست میآورد که تاندازهای قابلتعمیم است؛ بنابراین با توجه به مراحل منظم و علمی فوقالذکر، میتوان ادعا کرد که این دست از فعالیتها تاندازهای جنبه علمی دارد.

3. محقق تاریخی برای رسیدن به نتایج، گاهی اصولی از احتمالات را به کار میبندد که شبیه این اصول را پژوهشگران علوم فیزیکی نیز مورد استفاده قرار میدهند.

:. این واقعیت که محقق تاریخی نمیتواند متغیرهای بازیگر در موقعیت واقعه را مستقیماً کنترل کند، کاملاً واضح و روشن است؛ اما باید توجه داشت که این محدودیت در بیشتر تحقیقات علوم رفتاری، بهویژه در تحقیقات غیر آزمایشتگاهی مانند پژوهشهای جامعهشناسی، روانشناسی اجتماعی و اقتصاد نیز کموبیش وجود دارد.

**آزمایشگرایی تاریخی:**

بستیاری دیگر را عقیده بر این است که تاریخ همچون آزمایشگاه جامعه‌شناسی است. پدیده‌های اجتماعی را در بستر زمان مشخص میدارد و با آن روده‌های مقایسته ای در زمانی مطرح میشوند. پس زمانی که قرار است پدیده‌های خاص مخصوصاً در سطح جامعه‌شناسی کلان مطرح شود، چون امکان ایجاد تغییرات عمدی نیست، ناچار به تاریخ متوسل میشویم. عدم امکان ایجاد تغییرات عمدی در پدیده‌های اجتماعی است که ما را بهستوی تاریخ رهنمون می‌شود. در این آزمایشگاه مسائلی چند به چشم می‌خورد. 3 الف- نایکسانی شرایط اجتماعی ب- عنصر کنترل ناپذیری ج- پیدایی عوامل رشد

**الف- نایکسانی شرایط اجتماعی:**

زمانی که به مقایسته دو جامعه (بدون پارلمان در عصری و با پارلمان در عصری دیگر) می‌پردازیم، در حقیقت دو عنصر نامشابه را با یکدیگر مقایسته میکنیم. جامعه عصر صفوی بدون پارلمان بود، اما آیا میتوان آنها با جامعه امروز ایران مقایسه کرد؟ سپس نتیجه گرفت که تمامی تفاوتها ناشی از نبود پارلمان در عصر صفوی و وجود پارلمان در عصر کنونی است؟ این امر را در اصطلاح مقایسه ناپذیری می‌خوانند.

#### **ب- عنصر کنترل ناپذیری:**

آنچه ویژگی استاسی تحقیق آزمایشگاهی است، امکان کنترل متغیرهاست؛ بنابراین محقق همه عوامل را ثابت نگاه میدارد، جز آنچه تأثیر موردتوجه اوست.

#### **ج- پیدایی عوامل رشد:**

گذشته از آنکه بر عوامل برونزاد تسلط نداریم؛ بر عناصر و عوامل درونزا نیز نفوذ نداریم. دو جامعه، همانند دو انسان در دو شرایط متفاوت، خواهندخواه دگرگونیهای ساختی نیز یافته‌اند؛ بنابراین یکسان نیستند.

#### **اسناد و مدارک و ارزیابی آنان**

مطالعه تاریخی باواستطه است؛ یعنی از طریق اسناد و مدارک صورتپذیر است. این اسناد را میتوان چنین دانست

**الف- منابع نوشتته 3** مرمربی منابع مکتوب عبارتنداز کتابها، روزنامهها، مجلات، شتترح وقایع تاریخی، وقایع

ستتالاننها، بیوگرافی ها، شرح خاطرات، نامه ها، شجره النسب ها، اسناد تاریخی و سفرنامهها.

**ب- 3** منابع شتفاهی عبارت است از منابع و مطالبی که سینهبهسینه از نسلی به نسلی دیگر

منتقل میشود، مثل تصانیف و اشعار، داستانها، افسانهها، اساطیر، ضربالمثلا، فولکلور ملل و

سنن ملی.

**ج- 3** منابع هنری مثل نقاشیهای تاریخ، مجسمههای تاریخی و غیره د- وسایل مادی 3 مثل

سفالها، سکهها، ظروف، آلات و ابزار، کتیبهها.

**ه- منابع سمعی و بصری 3** مثل فیلم، نوار صوتی، صفحه و غیره

**و- 3** منابع باستانشناختی مثل ابنیه تاریخی، مقبرهها، محلهای مسکونی مربوط به گذشتگان.

این اسناد است که درنهایت اعتبار تحقیق تاریخی، به کمیت و کیفیت آنان وابسته است...

#### **ارزیابی اسناد تاریخی:**

پژوهش تاریخی به اطلاعاتی بستگی دارد که توسط دیگران جمع‌آوری شده و یا مشاهده گردیده است؛ بنابراین، اولین

وظیفه محقق تاریخی بررسی در مورد درستی، اعتبار و معنیدار بودن این اطلاعات است.

اطلاعات موردنیازی در پژوهش تاریخی را میتوان از دو منبع یا مأخذ به شرح ذیل به دست آورد

**الف- منابع دستاول** مانند اسناد و مدارکی که توسط ناظران واقعی ضبط و نوشته شده‌اند.



ب- منابع دستت دوم 3 منابع دستت دوم گزاردهای است که گزارشگران ناظر عینی واقعه نبوده و امکان دارد گزارد مزبور بر اساس مصاحبه با مشاهدهکننده واقعی حادثه تریه و تنظیمشده باشد یا گزارشگری گزارد این فرد را مطالعه کرده باشد.

در تحقیقات تاریخی محقق از طریق دو نوع نقد اساسی به شرح زیر، اطلاعات بهدستآمده را ارزشیابی میکنند 3  
الف- نقد ظاهری یا خارجی از اطلاعات این ستؤال را مطرح میکنند. آیا این سند و مدرک یا شیء باقیمانده واقعی و اصیل است؟

ب- نقد درونی یا داخلی از اطلاعات که ستؤال میکنند 3 اگرچه این ستند و مدرک یا شیء باقیمانده واقعی و اصیل است، ولی آیا تصویر واقعی از واقعه را ارائه میکند؟  
در ارزیابی استناد و مدارک تاریخی تمیز دو نکته اهمیت استاسی دارد، اصتالت اسنادی و صداقت بررسی اصالت سندهای تاریخی.

